

پشینهادسفر

پیشتهادی کوتاه برای بازدید خانه‌ای تاریخی

که در نزدیکی‌های حرم رضوی به یادگار مانده است

خانه‌ای که از داروغه یادگار ماند

اگر در کنار زیارت امام رضا(ع) گشتی هم در کوچه پس کوچه‌های مشهد بزنید، خواهید دید که این شهر جاذبه‌های تاریخی زیبایی هم دارد که شاید چندن را به چشم نیابند. خانه تاریخی داروغه یکی از آن‌هاست که یادگاری از دوران قاجار به شمار می‌رود و با ظاهر فریبنداش شما را به خود خیره می‌کند. این خانه تاریخی در زمینی به مساحت ۶۱۰ مترمربع و در بافت پیرامون حرم قرار گرفته و نشانه‌هایی از معماری روس را دارد و همین است که آن را از سایر خانه‌های تاریخی متمایز می‌کند. این اثر در ۷ مهر ۱۳۸۱ با شماره ۶۳۵۷ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده و میراث ارزشمندی به شمار می‌رود.



یادگار آخرین داروغه مشهد

کسی که دستور ساخت خانه داروغه را داد، یوسف خان هراتی بود که به عنوان آخرین داروغه مشهد و نخستین رئیس نظمیه بعد از مشروطه از او یاد می‌شود. خانه داروغه به عنوان یک منزل شخصی ساخته شد و پذیرایی‌های رسمی صاحبخانه در آن صورت می‌گرفت. گفته می‌شود تا حدود چند دهه گذشته هنوز هم این خانه کاربرد مسکونی داشت. سال‌ها پیش ورثه خانه، آن را به یکی از هیئت‌های روستای شهیدیه در شهرستان ممبد یزد فروختند و از آن پس تا سال ۱۳۶۱ بنا به حسینه و محل تجمع و اسکان هیئت مذهبی تبدیل شد. پس از مدتی این خانه به دست فراموشی سپرده شد و رو به ویرانی رفت تا آنکه مورد مرمت قرار گرفت؛ مرمتی که در ادامه برایتان بیشتر از آن خواهیم گفت.

برنده جایزه یونسکو

خانه تاریخی داروغه در محدوده‌ای قرار گرفته است که به طرح بهسازی و نوسازی مرکز شهر مشهد شهرت دارد. این طرح در سال ۱۳۷۹ تصویب شد و تحولی را به دنبال آورد. بخش‌هایی از این محدوده خریداری شدند و بیشتر جمعیت آن ناگزیر، محله شان را ترک کردند. بناهای قدیمی یک به یک تخریب شدند و جای خود را به ساختمان‌های تجاری ۱۰ تا ۱۲ طبقه دادند. از کل این بافت تنها ۴۱ بنا با وسعت حدود سه هکتار (یعنی کمتر از ۱ درصد بافت) باقی ماند که داروغه نیز یکی از آن‌ها بود. در این زمان بود که یک گروه معماری به فکر شناسایی این آثار تاریخی افتادند و کارهایی را در این زمینه انجام دادند و این خانه را که در معرض خطر بود و داشت از بین می‌رفت، خریداری و عملیات مرمت را شروع کردند. هدف از مرمت داروغه، حفظ اصالت هویت فرهنگی شهر و منطقه، جلوگیری از تخریب عنصر بصری تاریخ مشهد و نمایش بخشی از هنر معماری به زائران و مسافران شهر بود. در طی عملیات مرمت، تلاش بر این بود که اصالت بنا از نظر شکل کالبدی و ساختار سازهای حفظ شود تا به اصالت هویت فرهنگی طلمه‌ای وارد نیابند. این بنا نمایشی از زندگی گذشتگان به شمار می‌رود و همین باعث شد دقت زیادی در بهسازی آن صورت گیرد و از مصالح به‌روز در ترمیم قسمت‌های مختلف این بنا استفاده شود. مرمت‌کاران بخش‌های جدید را به گونه‌ای ایجاد کرده‌اند که قابل تشخیص با بخش‌های اصیل باشد و به اصالت بنا خدشه‌ای وارد نشود. مصرف دیوار مصالح باقی مانده از بناهای قدیمی خراب شده در نزدیکی خانه داروغه نیز مسئله‌ای بود که به پیشرفت بهتر مرمت کمک بسیاری کرد. مرمت بنای تاریخی داروغه یک میلیارد تومان هزینه در برداشت و بزرگ‌ترین و زیباترین خانه مرمت شده در محدوده مرکزی شهر مشهد به شمار می‌آید. طرح حفظ و نگهداری خانه داروغه مشهد در سال ۲۰۱۶ برنده جایزه حفظ و نگهداری میراث فرهنگی آسیا-اقیانوسیه از یونسکو شد و این خانه از میان ۱۳ طرح از ۶ کشور استرالیا، چین، هند، ایران، ژاپن و پاکستان توانست چنین جایگاهی را به دست آورد.



باد و آفتاب و آب

ساختمان خانه تاریخی داروغه بسیار هوشمندانه است، به طوری که در دو طرف حیاط، هم بخش‌های تابستان‌نشین وجود دارد و هم زمستان‌نشین. این در حالی است که در سایر خانه‌ها قسمتی از حیاط به زمستان‌نشین و قسمت دیگر به تابستان‌نشین تعلق می‌گیرد. برای تأمین شرایط زندگی در بخش‌های زمستان‌نشین در آن‌ها وسایل گرماساز گذاشته‌اند و مطبخ نیز در طبقه زیرین آن قرار گرفته است. بخاری دیواری و پنجره‌های دو جداره را از عجایب این ساختمان می‌دانند و بد نیست بدانید که اولین شومینه مشهد نیز در این خانه قرار دارد. در بخش تابستان‌نشین اما با اتاق‌های بادگیر، حوض آب و سبک معماری کاملاً سنتی مواجه هستیم، به طور کلی در خانه تاریخی داروغه به این مسئله پرداخته شده که چگونه می‌شود با استفاده از نیروهای آب، باد، آفتاب و… نیازهای یک بنای بزرگ را بدون هیچ هزینه‌ای برطرف ساخت. بد نیست بدانید که خانه داروغه اولین جایی بود که در شهر مشهد صاحب حمام خصوصی شد. از دیگر فضاهای جالب توجه این مجموعه می‌توان به سرداب اشاره کرد. در کوچه داروغه، دو خانه تاریخی دیگر نیز وجود دارند که گفته می‌شود در گذشته به همراه خانه داروغه مجموعه را شکل می‌دادند و به هم راه داشتند.

گفت‌وگو با هادی شعبانی، جوانی که با پروتز ساخت خودش روزی ۱۸کیلومتر دوچرخه‌سواری می‌کند

سبقت از خارجی‌ها با پای مصنوعی

|مردم/ عباسعلی سپاهی یونسی
هادی شعبانی را می‌توان نمونه یک جوان موفق ایرانی دانست؛ جوانی که با وجود محدودیت جسمی، انگار انگیزه بیشتری نسبت به بقیه آدم‌ها دارد؛ انگیزه‌ای که او را به یک دوچرخه‌سوار، دونده و به طور کلی ورزشکار حرفه‌ای تبدیل کرده و شرایطی را فراهم کرده تا او به بهتر شدن زندگی بقیه معلولان هم فکر کند. او حالا علاوه بر ورزش، عکاسی و نقاشی می‌کند و در کار آموزش هنر به معلولان هم فعال است. روایت هادی از سال‌هایی شروع می‌شود که گذراندنش خیلی ساده نبوده؛ سال‌هایی که او مجبور بود بی خیال پایش بشود، اما همین بی‌خیال شدن او را به جایی رساند که حالا سری میان سرها داشته باشد.

معلولیتان از کی شروع شد؟

من در کودکی بر اثر یک تصادف دچار معلولیت موقت شده بودم، ولی یک اشتباه پزشکی باعث شد که مشکل معلولیت من بیشتر شود. برای همین هم تا زمان جوانی کم‌کم پای من تحلیل رفت و به جایی رسیدم که چارهای جز قطع کردنش نبود.

پس به نوعی از کودکی با معلولیت دست و پنجه نرم کرده‌اید.

بله. زمانی هم که دانشجو بودم، متوجه شدم یک تیم فرانسوی که شامل رئیس وقت جشنواره کن، عباس کیارستمی و چند نفر دیگر می‌شد، قرار است به ایران بیاید. مسئولان دانشگاه با توجه به سوابق قبلی من در عکاسی و فیلمسازی پیشنهاد دادند که مستندی از این اتفاق تهیه کنم. همین هم باعث شد که در جریان برگزاری سمینارها با این گروه ارتباط بیشتری بگیرم و به نوعی نقش مترجم و همراه آن‌ها را بازی کنم. این در حالی بود که اصلاً وضعیت جالبی نداشتم و خیلی شدید می‌لنگیدم. همین اتفاق هم برای رئیس هیئت داوران جشنواره کن جالب بود و برای همین به من گفت: «این همه عکاس و فیلمبردار اینجااست، چرا تو را برای همراهی فرستاده‌اند؟ می‌توانی بروی استراحت کنی» در نتیجه من هم داستان زندگی‌ام را برای آن‌ها تعریف کردم و قانع شدند که خودم کار را ادامه بدهم. آن‌ها هم وقتی از ایران رفتند، ماجرای من را برای پروفسور کیوان مزدا تعریف کردند. از همین طریق هم با پروفسور آشنا شدم و با عمل جراحی‌ام توسط ایشان پایم در ۲۷ سالگی قطع شد.

راهی نبود که بتوانید پایتان را نگه دارید؟

نه، به دلایل پزشکی مجبور به قطع پا شدم. چون پوست من بر اثر مشکلاتی که سال‌ها با آن دست به گریبان بودم، مستعد عفونت بود. در نتیجه باید جراحی سنگینی انجام می‌شد؛ هم جراحی در ناحیه لگن، هم جراحی ران و هم قطع عضو. با همان عمل من توانستم از پروتزهایی استفاده کنم که امروز دوچرخه سواری را برای من ممکن می‌کند. در حالی که اگر پايم قطع نمی‌شد، ممکن بود مشکلاتم بار هم بیشتر شود. البته قبل از آن هم من را هفت مرتبه جراحی کرده بودند، اما چون امکانات آن موقع خوب نبود، نتیجه مطلوبی نداشت. من فکر می‌کنم شاید قضا و قدر هم این بوده است. یعنی گاهی اتفاقی باید رخ بدهد تا در پی آن اتفاقات خوب دیگری رقم بخورد. برای من هم همین اتفاق افتاد. یادم هست آن زمان پروفسور مزدا می‌گفت: «تو تنها مر می‌هی هستی که با خوشحالی می‌گویی پای من را قطع کن. من که تا حالا چنین چیزی ندیده‌ام.»

ماجرای دوچرخه سواری شما از کجا شروع شد؟ در نگاه اول دوچرخه‌سواری با یک پا خیلی معمول نیست

هادی شعبانی برای اینکه امروز به عنوان یک ورزشکار حرفه‌ای شناخته شود، خیلی سختی کشید. او ابتدا تلاش کرد تا دوچرخه‌ای مطابق نیاز خودش طراحی کند؛ اتفاقی که اگر چه به توفیق نرسید، اما او را بر به سمت طراحی پروتزی جدید؛ پروتزی که پس از خراب شدن پای خارجی او، جایگزین آن شد و حالا به حدی کارآمد است که هادی می‌تواند ادعا کند رقیب خوبی برای نمونه‌های خارجی است.

ماجرای دوچرخه سواری شما از کجا شروع شد؟ در نگاه اول دوچرخه‌سواری با یک پا خیلی معمول نیست

در خانواده ما پدرم اهل دوچرخه‌سواری بود. می‌شود گفت این مسئله بر دوچرخه سوار شدن من تاثیر گذاشته است. یعنی وضعیت جوری بود که در ضمیرم علاقه به دوچرخه بسیار زیاد بود، اما وضعیتیم اجازه این کار را نمی‌داد. البته چند باری تصمیم گرفتم دوچرخه‌ای را طوری که دلم می‌خواهد طراحی کنم تا بتوانم دوچرخه‌سواری کنم، اما آن چیزی که حاصل می‌شد دوچرخه استانداردِی برای مسابقات نبود.

یعنی وقتی نتوانستید خودتان را با دوچرخه هماهنگ کنید، سعی کردید دوچرخه را تغییر بدهید.

این کار را انجام دادم، ولی چیزی که می‌خواستم، درست نشد. برای همین رفتم دنبال اینکه ببینم آیا در بقیه نقاط دنیا آدم‌هایی هستند که با قطع عضو به طور جدی به دوچرخه‌سواری پرداخته باشند یا نه. وقتی چنین آدم‌هایی را دیدم، همین مسئله هم باعث شد در کارم جدی‌تر شوم. الان هم هر روز مسیر ۱۸کیلومتری دور ورزشگاه آزادی و دریاچه چیتگر را رکاب می‌زنم.

قطعاً دوچرخه‌سواری کردن با این شرایط هم سخت است، چه رسد به اینکه روزی ۱۸کیلومتر هم رکاب بزنید.

گفت‌وگو با هادی شعبانی، جوانی که با پروتز ساخت خودش روزی ۱۸کیلومتر دوچرخه‌سواری می‌کند

سبقت از خارجی‌ها با پای مصنوعی



گفته نشده بحث معلولیت اوست. بعد از آن هم البته توابع دیگری را دیدم که هرگز به بحث معلولیتشان اشاره نشده بود. آنجا بود که جرقه این کار در ذهنم زده شد.

یعنی دنبال کشف افراد معلولی بودید که مستعد نخیه شدن هستند؟

بله. برای همین هم حدود ۶۰ نفر را جمع کردم و با آن‌ها کار می‌کنم. آن‌ها با وجود معلولیت شدید، نقاط قوت خاصی دارند. ما اول با مجسمه‌سازی شروع کردیم، اما بعد به ذهنمان رسید سراغ دیگر هنرها و از جمله عکاسی و نقاشی هم برویم.

حاشیه

آن‌طور که باید حمایت نمی‌شویم

به خاطر شرایط اقتصادی از پاراآسیایی جا ماندم

بله. به خاطر حمایت‌هایی که از من دریغ شد، گفتم باید خودم دست به کار شوم. با خودم گفتم می‌توانم رکورد جهانی را بزنم، مخصوصاً که سن و سالم هم خیلی زیاد نیست و بدن آمادگی دارم. متأسفانه اما جوابی نشنیدم. به تاریخ مسابقات نزدیک شده بودیم، اما من دوچرخه مناسب نداشتتم. از طرفی پروتز من شکسته بود و کارآمد نبود و همین هم باعث شد که از مسابقات پاراآسیایی جا بمانم. در آن سالی که جا ماندم، کار تحقیقاتی را شروع کردم. گفتم حالا که به خاطر تحریم، قیمت زانو‌ها و پاهای مصنوعی بالا رفته، می‌توانم خودم برای خودم یک پای مصنوعی درست کنم. همین کار را هم کردم. بیش از ۲۰ بار آزمون و خطا لازم بود، اما دست‌آخر توانستم پایم را بسازم. ماده اولیه زانو‌ها از آلیاژهای آلومینیوم و تیتانیوم است. نوع تیتانیوم سبک‌تر و ویژه افراد معلولی است که دارای وزن کم و مشکلاتی در ناحیه کمر هستند. خب در حال حاضر قیمت نمونه آلمانی این زانو‌ها به شدت در بازارهای ایران بالاست. اما در حالی که اگر این محصول به تولید ملی برسد، می‌تواند به جامعه معلولان کشور کمک کند. مفصلی که بتوان با آن دوچرخه‌سواری کرد، وجود دارد ولی مفصل ویژه ورزشکاران رشته دوچرخه‌سواری طراحی نشده. در طرح ما ولی این نوع مفصل زانو‌ها عرضه شده و قیمت تمام شده آن کمتر از یک بیستم نمونه خارجی است.

ایمن نمونه به لحاظ کیفیت هم امکان رقابت با محصولات خارجی را دارد؟

این مفصل زانو‌ها باید سبک و مقاوم باشند و قابلیت «اکستنشن» و «فلکشن» داشته باشند. فلکشن و اکستنشن یعنی خم کردن و صاف کردن زانو. بیشتر مفصل موجود در بازار ایران حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ درجه خم می‌شوند، ولی مفصل طراحی شده من تا حدود ۱۷۰ درجه خم می‌شود و این امر امکان رکاب زدن را برای فرد معلول فراهم می‌کند. چیزی که من ساختم‌ام، می‌تواند با نمونه‌های آلمانی و فرانسوی رقابت کند و حرفی برای گفتن در دنیا داشته باشد، چون هم وزن سبک‌تری دارد و هم دوام آن بیشتر است.

انور هنر

هر کدام از اثر و تجمیع صفحه مردم تپ شخصیتی منحصر به خود دارند. تپهایی که بخشی از رفتار و فعالیتشان بروز می‌کند. حسن احمدی‌نفر به خاطر علاقه‌اش به محیط زیست و طبیعت و لذت بردن از فرسنگی عامه، همیشه مطالب غافلگیرکننده از این دو حوزه دارد. در حال کمتر می‌توانیم تصمیم‌های بلند کردن آدم‌های متفاوت حوزه فرهنگ است. از کارگری که کتابی به زبان انگلیسی نوشته و مقال حوزه کتابی و عکاسی سپاهی را به کتاب‌روشی تبدیل کرده است و انتخاب سوزدهايش دارد به تجربه در بافتمان که فقط با آدم‌های خاصی گفتگو می‌کند. آدم‌هایی که پیشنهاد می‌توان «فهرمان اراده» نمود. معلولی که قهاره‌ای بلندی را فتح کرد. خانمی که با کمک معلولان او نینسوم و سندروم دانی کافکا را بر کرده دوچرخه‌سواری کرد. از مثال اروپا تا جنوب آفریقا را رکاب زد و... این‌ها هگی. آدم‌هایی هستند که عباسعلی دوست دارد چاشمان باشد. سوزده امروز هم یکی از همین آدم‌هاست.

انور هنر سوزدهای مردم

خبر

دیروز اهالی فرهنگ و ادب پیکر زرویی نصرآباد را تشییع کردند

آخرین حضور در حلقه رندان



مهر - مراسم تشییع پیکر مرحوم ابوالفضل زرویی نصرآباد با حضور جمع کثیری از اهالی مطبوعات، ادبیات و طنزپردازان کشور در حوزه هنری برگزار شد. شهرام شکبیا از طنزپردازان کشور در این مراسم گفت: گمانم نبود در چنین مراسمی برای چنین کسی صحبت کنم. شانزده سال قبل که طرحی برای فرهنگسرای طنز داشتم و آورده بود خدمت رئیس حوزه هنری هدایتم کردند به دفتر طنز حوزه به مدیریت آقای زرویی. نشستیم و حرف زدیم و شگفت زده شدم از اینکه کاری از اشعارم را خوانده بودند. تا آخرین روزها هم مهر حوزه هنری بر دل ایشان بود و تا آخرین روزها در حوزه کار می کردند. وی افزود: اتفاقی که برای زرویی رخ داد خودخواسته بود. خودش می‌خواست که تیشه به ریشه‌اش بزند. اما اگر هر کدام از ما در سه سال گذشته سه بار به منزلیش سر زده بودیم اینقدر تنها نمی‌بود. بماند که چه کردند و کردیم با او. قدر هم را بیشتر بدانیم و خط کشی‌ها را کنار بگذاریم. ادبیات عامل پیوند ماست، بخوانشیم و به آن عمل کنیم. شکبیا همچنین از تصمیم‌خوانواده و دوستان زرویی برای دفن نسخه‌ای از کتاب «ماه به روایت اه» با پیکر زرویی خبر داد.

❖ **گرامرودی: زرویی در نقیضه‌دازی بی‌نظیر بود**

در ادامه سید علی موسوی گرامرودی نیز در سخنانی عنوان کرد: چیزی نوشته بودم که تحلیلی باشند از استعداد زرویی اما فرشتش نیست. او در نقیضه پردازی تقریباً بی‌نظیر بود بلکه تاکنون تحقیقاً. متأسفانه الان فرصت صحبت کم است و من هم خجالت می‌کشم که در حضور بزرگان صحبت کنم. وی در ادامه قطعه شعری را که در سوگ درگذشت بیکاره، اما داغ ابوالفضل زرویی داشت که هر چه دیگرش تقدیم کرد.

در ادامه ساعد باقری از شاعران معاصر نیز در سخنانی عنوان کرد: دیروز به دوست شاعرم سهیل محمودی عرض می‌کردم با داغ قیصر و سید حسن فرو ریختم و شکستیم بیکاره، اما داغ ابوالفضل زرویی داشت که هر چه بگذرد بیشتر خودش را نشان می‌دهد.

وی افزود: ویژگی اصلی او اصالتش و شرافتش بود در دنیای اداها! رگ و ریشهای که او از ادب فارسی می‌گرفت برای هر که با نثر الفتی داشت، آشکار بود. حس من این است که او مدت‌ها بود با این زندگی کنار آمده بود. در ادامه مراسم غلامعلی حداد عادل رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز در سخنانی عنوان کرد: امروز در کنار پیکر مردی ایستاده‌ایم که در کمتر و از یک عمر پنجاه ساله، خودش را به عنوان چهره‌ای مؤثر و ماندگار در ادب فارسی تثبیت کرد. مردی که در نیم‌روز که عمر طبیعی ما را ترک کرد... او از دوران نوجوانی و از وقتی که دانش‌آموز بوده شعر طنز می‌گفته است. او یک عمر مردم را خنداند و دل جامعه را شاد کرده بود. امروز آن جامعه به اندازه همه آن خنده‌ها اندوهگین است.

این مراسم در ادامه با مدیحه‌سرایی محسن عرب خالقی از شاعران و ذاکران اهل بیت(ع) ادامه یافت و پس از آن با اقامه نماز میت بر پیکر مرحوم زرویی توسط حجت الاسلام والمسلمین قمی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی پی گرفته شد. سپس پیکر مرحوم زرویی نصرآباد از حوزه هنری تا چهارراه کالج تشییع شد و برای خاکسپاری در قطعه هنرمندان، به بهشت زهرا(نس) منتقل شد. بنابر اعلام مجریان این مراسم مجلس ترحیم وی نیز امروز سه شنبه از ساعت ۱۵ در مسجد نور تهران برگزار می‌شود.

در این مراسم، طنزپردازان و شاعران مطرحی چون ناصر فیض، امید مهدی‌نژاد، مرثی امیری اسفندقه، علی محمد مؤذب و... حضور داشتند.

بزرگداشت حمید داوودآبادی، نویسنده فعال دفاع مقدس در دانشگاه صدا و سیما برگزار شد
حاج حمید «از معراج برگشته»

خبرگزاری صداوسیما: مراسم بزرگداشت هنرمند انقلابی حاج حمید داوود آبادی با عنوان «از معراج برگشته» صبح دیروز ۱۲ آذر باحضور چهره‌های فرهنگی ادبیات مقاومت گلملی بابایی، رحیم مخدومی، مرثی سرهنگی، مسعود ده نمکی، احسان محمد حسنی، حسین قزایی و دیگر چهرهای هنر و رسانه انقلاب در آمفی تئاتر دانشگاه صداوسیما برگزار شد.

گلملی بابایی نویسنده کتاب‌های مقاومت در بزرگداشت هنرمند انقلابی حاج حمید داوود آبادی با بیان اینکه حمید داوود آبادی از ابتدا آتش به اختیار عمل کرده است، گفت: خواندن خاطرات وی گاهی انسان را به وحشت می‌اندازد، زیرا بدون هیچ ترسی در عملیات‌های مختلف پر از جنب و جوش و شجاعت و از خود گذشتگی ظاهر می‌شد.

وی افزود: امروز وظیفه نظام اسلامی است که از تفکرات حمید داوودآبادی حمایت کند.

حسین قزائی نویسنده کشورمان نیز در این مراسم با اگرمیاداشت یاد و خاطره مرحوم زرویی نصرآباد گفت: باید قدر هنرمندان زنده‌ای همچون داوود آبادی را بدانیم.

وی با اشاره به ضرورت توجه بیشتر به رویش‌های انقلابی افزود: ما هنرمندان عصر انقلاب را جدی نگرفته‌ایم.

مسعود ده نمکی کارگردان سینما و تلویزیون نیز دراین مراسم با بیان اینکه در قدر ندانستن هنرمندان انقلابی باید بدانیم از ماست که بر ماست، گفت: در رساله‌ای بدی‌های یکدیگر را داد نزنیم و جریان‌های انقلابی باید ابتدا خودشان قدر خود را بدانند.

وی با اشاره به اینکه چالوپسان و متماقلان، انسان را به زمین می‌زنند و باید این گونه افراد را از خود دور کنیم، گفت: باید به کسانی توجه شود که تجربه‌های فراوان دارند. امروز باید از تجربیات هنری حمید داوود آبادی بهره‌مند شد.

رحیم مخدومی نویسنده انقلابی کشورمان نیز در این مراسم گفت: حمید داوود آبادی سنگربان متعهدی است و او یک رزمند ۴۰ ساله است و همچنان در این عرصه سنگربان است. وی افزود: به ایشان ادای احترام می‌کنیم و ان شاءالله تا پایان زندگی‌شان این سنگر را حفظ کنند. حمید داوود آبادی نیز افزود: کاش یک مراسم برای غربت و مظلومیت حاج احمد متوسلیمان برگزار شود.

❖ **درباره موضوع یمن و فاجعه‌ای که در حال اتفاق افتادن است، آن طور که انتظار داشتیم آثار هنری شکل نگرفت. در فضای شعر فکر می‌کنید این انتظار پاسخ داده شده یا نه؟**

همین طور که شما گفتید انتظاری که می‌رفت و می‌رود برآورده نشده است. من دنبال دلیل نیستم و حالت احساس خودم را بیان می‌کنم. چهار- پنج سال پیش اتحاد کشورهای خلیج برای حمله به یمن بسیار ناجوانمردانه بود و واقعاً هر ضمیمه آزاده‌ای را به درد می‌آورد. انسان نمی‌تواند در قبال این جریان ساکت باشد. به خاطر همین من از همان روزهای اول که کشتار اتفاق افتاد با توجه به اینکه ارتباط نسبتاً خوبی با بعضی از یمنی‌ها به‌خصوص شاعرانشان دارم سعی کردم کارهایی تولید کنم. همان روزهای اول یک غزل نوشتم و یک کار عربی فارسی هم با عنوان «بمانیون» تولید کردم که آقای خانچی خواند و پخش هم شد. این قضیه از چند جهت برای بنده بفرنج است. وقتی که شری علیه خیری ناجوانمردانه چنین کشتاری را بویژه علیه کودکان رقم می‌زند، حداقل از دیپلماسی دولت خودت انتظار واکنش داری تا حداقل آن رخوت و سستی که در کشورهای مسلمان هست به نوعی جبران شود. ولی وقتی که دولت به خاطر بعضی مصلحت‌ها آن واکنش مورد انتظار را نشان نمی‌دهد، باید دیپلماسی مردم و قشر عدالت‌طلب و انقلابی کاری کند. از یک طرف وقتی خودت واکنش نشان می‌دهی، یک عده آدم بی‌سواد در فضای مجازی قیاس مع الفارق می‌کنند و می‌گویند قفرای کشور خودت را بچسب و این حرف‌ها. این‌ها هم خیلی این قضیه را غم انگیزتر می‌کند. من حقیقتش این روزها که خبرها می‌رسد روزی نیست که چندین بار صحنه کودکان یمنی و صحنه حملات بی رحمانه جلوی چشمم نیاید.

❖ **درباره پیچی که در فضای مجازی در همین خصوص به راه انداخته‌اید بگویید؟**

بله. بنده یک پیچ شعر مقاومت راه انداختام به اسم «هنج المقاومة» که درمورد شعر مقاومت است. پیچ مختص یمن نیست اما الان بیشترین پست هایی که در آن منتشر می‌شود درباره یمن است.

اما کار خوب نیاز به حمایت خوب دارد. چه در حوزه موسیقی و چه سرود هزینه‌ها بالااست. به خود بنده چند مورد پیشنهاد شعر دادند و من کار را ساختم اما وقتی به مراحل تولید رسیدند دیگر جواب ما را کسی نداد.

ما از نظر بودجه متأسفانه ضعیف هستیم، بعد در دیپلماسی عمومی و مردمی هم که کار می‌کنیم این مشکلات به وجود می‌آید. اگر کار هنری خوبی تولید بشود و صدای خوب و شعر خوبی پشت آن باشد حداقل این است که یمنی‌ها گوش می‌دهند و روحیه می‌گیرند. من این را در خلال ارسال آثاری که برای آن‌ها خوانده شده دیدهام.

من احساس کردم اگر در شعر فارسی کاری بکنیم فقط در داخل شنیده و خوانده می‌شود. بعد جهانی و بین‌المللی ندارد، به همین دلیل پیچی مخصوص شعرهای عربی ایجاد کردم.

خوشبختانه می‌بینم که یمنی‌ها می‌آیند کانت می‌گذارند و تشکر می‌کنند. این خودش بالاخره یک کاری هست که ما از این گوشه دنیا می‌توانیم انجام دهیم.ما به هرحال باید در این مسیر کار بکنیم؛ اگر اهل انتظار و این فرهنگ هستیم؛ البته جوی هم که در داخل کشور گاهی دیده می‌شود دلایلش فقط مخالفت‌های لجوجانه نیست، بلکه خود آثاری که در این حوزه تولید می‌شود اغلب شان نیازمند این هستند که مایه‌های هنری و فنی بیشتری داشته باشند.

❖ **نظر خود یمنی‌ها درباره شعرهای عربی و فارسی که تولید شده چیست؟**

من همیشه این آثار را که برای دوستان می‌فرستم خیلی ابراز لطف می‌کنند. خود یمنی‌ها هم از حیث ساختن موسیقی

مرثضی حیدری آل کثیر از راهاندازی صفحه «هنج المقاومة» برای شاعران مقاومت می‌گوید

یک حرکت هنری در حمایت از مقاومت یمنی



❖ **ادب و هنر/ شیخ الاسلامی** ا کشتار و فجایع یمن کم کم وارد سال پنجم خود می‌شود و باوجود مظلومیت و وضعیت اسفناکی که مردم یمن دارند،دلسوزان جامعه بشری و بخصوص مسلمانان آنچنان که باید به یاری آن‌ها نیامدند. در این میان، واکنش هنرمندان متعهد سراسر جهان به این فاجعه قطعاً تأثیرگذاری بیشتری بر افکار عمومی جهان می‌گذارد و همین مسئله بار مسئولیت آنان را دوجندان می‌کند.

ما نیز به سهم خود، هرچند اندک، قرار است تریبونی بشویم برای آثار هنری، و تلاش هنرمندان متعهد در این زمینه، در این شماره به سراغ مرثضی حیدری آل کثیر از شاعران جوان کشورمان که هم در شعر فارسی و هم در شعر عربی از فعالان ادبیات مقاومت است، می‌رویم و با او درباره تولیدات جامعه هنری کشورمان، بخصوص شاعران گفت‌وگو می‌کنیم.

و کلیپ و سرود و آهنگسازی در جهان عرب خیلی معروفند. صداهای خیلی خوب و رسایی دارند و کارهای خوبی

تولید می‌کنند. اما کارهایی که ما تولید می‌کنیم چون مقداری متفاوت است، نه که از آن‌ها بهتر است بلکه به این دلیل که یک ایرانی آن را تولید کرده، تفاوت‌های جالبی از منظر آن‌ها دارد و برایشان جذاب است؛ ضمن اینکه برایشان خیلی جالب است که یک ایرانی به زبان عربی شعر می‌گوید. این هم خیلی جذاب است. من واقعاً خیلی با خودم مرور می‌کنم که این همه مؤسسه تشکیل دادیم برای تولید کارهای هنری ولی وقتی داخل سراز و کار این دوستان می‌شویم، می‌بینیم که اولویت‌ها را در نظر نمی‌گیرند و ما را لاسرد می‌کنند. من خودم علاقه دارم روزی حتی یک کار



سوم شعر می‌بینید. شعرهایی هم

❖ **در اشعار یمنی‌ها چه موضوعات و محتواهایی بیشتر به چشم می‌خورد؟**
من شعرهای یمنی‌ها را که بررسی می‌کنم می‌بینم که عنصر حماسه و وعده‌هایی که خوانند در قرآن برای استقامت مسلمانان داده است بیشتر از سایر موضوعات به چشم می‌خورد. موضوع دیگر بر حق بودن خود و نفی طغوفت سعودی و شناختن دشمن اصلی، آمریکا و اسرائیل است؛ البته این موارد به صورت هنری در شعرها استفاده می‌شود؛ یعنی شما این‌ها را در لایه‌های دوم و سوم شعر می‌بینید. شعرهایی هم

❖ **موسیقی**
حمید هیراد در کنسر تش به دست‌نوسی پدر و مادر رفت



کنیم و ببینیم که نتایج آن چه اتفاقاتی را در آینده رقم خواهد زد. این انتخاب چالشی برای جامعه ادبی است که حاصل این رأی گیری چه خواهد بود، امروز هم که رأی گیری در حال اجراست رقابت بسیار نزدیک و در مواردی مساوی است. بایرانی نیز درباره بخش ویژه جایزه گفت: در روزهای گذشته و با اعلام اسامی برخی از داوران جایزه به من هم درباره بخش ویژه رجوع شد و سؤالاتی پرسیده شده است. می‌خواهم بگویم که داوران ما و خود بنده از این فهرست انتخاب اثر و کم و کیف برگزاری این بخش اطلاعی نداشتیم. خود بنده از طریق فضای مجازی از آن اطلاع پیدا کردم. امروز هم بنا بر تأکید اعلام می‌کنم که داوران ما در انتخاب این نقشی نداشتند. قزلی همچنین از تغییر در جوایز جایزه جلال خبر داد و گفت: اسمال به دلیل متغیر بودن قیمت سکه قرار است که معادل نقدی آن را به دوستان برگزیده اهدا کنیم از این رو به فرد برگزیده ۱۰۰ میلیون تومان و به دوستان شایسته تقدیر ۳۰ میلیون

هست که مستقیم گویی در آن‌ها هست اما بهتر است که همراه

با زبان هنری باشد. الان باید شعری که نوشته می‌شود با فکر و اندیشه و دید خوبی همراه باشد؛ یعنی نگاه جدیدی پشت شعر باشد. انگار که آثار هنری و ادبی دارند به این سمت کشیده می‌شوند که جو سینمایی و فیلم‌نامه‌ای داشته باشند. فقط زبان شعر کافی نیست. اینکه یک مضمون و نگاه و جهت کلی و جدیدی داشته باشند در این آثار خیلی مهم است. مثلاً شعار من یمنی هستم در فرهنگ یمنی‌ها بسیار مهم است. من همین را در شعر خودم استفاده کرده و گفتم: قال التبی: انا الیمنی. این به هرحال جهت جدیدی و فکری دارد. چون اصل عرب در واقع یمنی‌ها هستند. به چه جرمی باید این‌ها کشته بشوند؟ برای تولید اثر خوب سوزهای زیاد هست. اگر موسساتی که وظیفه شان تولید این آثار است به شاعران سفارش بدهند، هنرمند می‌رود فکر می‌کند و این سوزها را شکار می‌کند. اما وقتی مسیر تولید آثار هنری و ادبی هموار نیست خب این‌ها می‌سوزند و از بین می‌روند. هرکاری نیازمند سلوکی است. این سلوک باید مستمر باشد. وقتی بین هر کاری دو سه سال وقفه می‌افتد کار سخت می‌شود. تولید این گونه آثار باید به صورت مسلسل وار و مستمر ادامه داشته باشد که فعلاً این طور نیست.

اگر بخواهیم مثلاً شعرمان قوت و اثرگذاری خودش را داشته باشیم، باید ببینیم در جهان چه می‌گذرد، چه سوزهایی وجود دارد، چه زبان و بیانی مؤثرتر است، و در نهایت تولید اثر کنیم. ۸۵ هزار کودک در این مدت در یمن کشته شده‌اند. این خیلی وحشتناک است. در تاریخ شاید این قضیه و این فاجعه کم نظیر باشد. خود همین یک سوز بزرگ و جدی برای تولید آثار مختلف است. اما نباید وقت را از دست بدهیم.

❖ **حجم و نوع واکنش‌ها در شعر فارسی و عرب نسبت به کشتار یمن به نظر تان چگونه است؟ در شعر عرب آیا واکنش‌های بیشتری اتفاق افتاده است؟**

در شعر عربی من بیشتر از خود شاعران یمنی شعر دیدم و خواندم. کشورهای دیگر چون خودشان در این قضیه مشارکت داشتند متأسفانه واکنش شاعرها خیلی سخت است؛ یعنی شاعران شیعه‌ای در عربستان و الجزیره و بحرین و کویت داریم که این‌ها واقعاً بماند که به این قضیه بپردازند. فقط به صورت کلی حرف می‌زنند و همین مظلومیت را دو چندان می‌کند. در ایران هم من شعر برجسته خیلی کم دیدم. خود شما چندان شعر خوب و با آن شاخص‌هایی که صحبت کردم دیدید و خواندید؟

❖ **شعر آقای افشین علا به نظر به خاطر نگاهی که پشت آن بود خوب درآمد.**

دقیقاً. آقای افشین در این دو سه سال اخیر واکنش‌های خوبی داشتند. البته برداختن به مسائل روز به شکل مستقیم یکی از سخت‌ترین کارهاست برای شاعر و هزینه زیادی دارد. خیلی از منتقدان می‌گویند این دور از هنر است و بد است و ساخت شعر ساحت متفاوتی است. این یک نظر است که اکثر افراد دارند و حتی خیلی از شاعران بزرگ عرب هم به این نظر را دارند. من مخالفت اصلی با این نیست که شاعر به این مسائل بپردازد، بلکه مخالفت با این است که شاعر به صورت سطحی و بدون مایه‌های هنری و ادبی آن را در شعرش مطرح کند. اگر قرار است فقط واقعه را تعریف کنی بهتر است که اصلاً شعر ننویسی؛ چون در اینجا شاعر فکر می‌کند که یک کاری کرده است و وظیفه‌ای را انجام داده است، در صورتی که هیچ کاری نکرده است. درباره بحث تأثیرگذاری من فکر می‌کنم ما می‌توانیم از ظرفیت‌هایی مثل هیئات و مداحی‌ها، سرودها، رسانه ملی و ارتباط با مردم استفاده کنیم و در واقع شعرها را با رشته‌های هنری دیگر فراوری کنیم و به سماع و نظر مخاطب برسانیم.

فارس: حمید هیراد خواننده پاپ در کنسرت اخیر خود به احترام پدر و مادرش میان جمعیت آمد و دست آن‌ها را بوسید و آن‌ها را اولین عشق‌های زندگی خودش خواند. هیراد در سانس دوم کنسرتش ابتدا آهنگ‌های «هستم کن»، «بی‌تاب»، «عشق» و «رسوایی» را اجرا کرد. این خواننده پاپ پس از این اجرا خطاب به مردم گفت که هیچ عشقی جز عشق خداوند ارزش غم خوردن ندارد، همه عشق‌های زمینی یک نوع دوست داشتن هستند اما تنها کسی که ارزش عاشقی کردن دارد. وی سپس آهنگ‌های «همه جانم» و «یار» را اجرا کرد. هیراد برای اجرای آهنگ «انفرادی» عنوان کرد که از خداوند می‌خواهم هیچ گاه زندگی هیچ کس انفرادی نشود، چون نمی‌شود انفرادی زندگی کرد. دیگر اجراهای حمید هیراد به آهنگ‌های «عاشق»، «شوخی مگه»، «دلارام» با نور گوشه‌ای مردم همراه شد.

❖ **گزارش**

مدیرعامل بنیاد شعر و ادبیات داستانی در پاسخ به پرسش قدس:

برگزیدگان جایزه جلال در اولویت ترجمه قرار می گیرند

تومان اهدا خواهد شد که با توجه به کاهش قیمت سکه جایزه نقدی شاید حتی از ۳۰ سکه هم بیشتر شود.

وی افزود: بنیاد شعر و ادبیات داستانی از ابتدای حضور من در مضیفه مالی قرار داشته است و شما توجه کنید که ما در سال گذشته برای برگزاری ۴ جایزه بزرگ ملی و اداره بنیاد شعر و ادبیات داستانی با توجه به همه هزینه‌ها تنها ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان هزینه کرده‌ایم، یعنی یک میلیارد و نیم کمتر از سال قبل و تا اینجا کار هم در سال جدید حدود ۲میلیارد تومان هزینه داشته‌ایم. من نمی‌خواهم گلایه کنم و غر بزنم امّا باید بگویم که حق ادبیات چیزی بیش از این است. قزلی ادامه داد: پایگاه نقد و شعر و داستان که یکی از اتفاقات مهم ادبیات ما بوده است این روزها با یک نفر و نیم نیرو اداره می‌شود. روزی که من به بنیاد شعر و ادبیات داستانی آمدم، ۳۰ آدم در اینجا حضور داشتند و امروز نیز با اضافه شدن مسئولیت حوزه شعر و حوزه انجمن‌ها ما بنیاد را با همان ۳۰ نفر اداره می‌کنیم یعنی می‌خواهم به شما بگویم که صورتمان را با سلیلی سرخ نگه داشته‌ایم و به ادامه فعالیت‌ها می‌پردازیم. ما با مطلقاً کامل کتابخانه ملی را برای برگزاری مراسم اختتامیه انتخاب کرده‌ایم البته از این نکته نباید غافل شد که در هزینه‌ها صرفه‌جویی قابل‌توجهی داشتیم.

همچنین در این نشست، نامزدهای دریافت این جایزه در بخش داستان کوتاه به شرح زیر معرفی شدند: اسپارتی/نوشته امیر ریاحس/ نشر مروارید تفتگو زمین‌نذار/ نوشته سید میثم موسویان/ نشر کتاب جمکران زخم شیر/ نوشته صمد طاهری/ نشر نیماز قلب نارنجی فرشته/نوشته مرثضی برگر/ نشر چشمه ماندن نوشته مرثضی فرجی/ سوره مهر داوران این بخش از جایزه در سال جاری یزدان سلحشور، علی چنگیزی و ابراهیم حسن‌بیگی معرفی شده‌اند.

ادب و هنر / آرش شفاعی: نشست خبری یازدهمین دوره جایزه جلال آل‌احمد با حضور مهدی قزلی، دبیر اجرایی جایزه و محمدرضا بایرانی، دبیر علمی جایزه در بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان برگزار شد.

در این نشست قزلی، مدیرعامل بنیاد شعر و ادبیات داستانی و دبیر اجرایی جایزه جلال آل‌احمد در پاسخ به پرسش خبرنگار قدس درباره شیوه‌حیات از برگزیدگان جایزه جلال گفت: ما هر ساله طی نامه‌ای برگزیدگان جایزه جلال را به هیئت خرید کتاب معرفی می‌کنیم تا در خریدهایی که انجام می‌دهند این آثار را نیز مدنظر داشته باشند تا حداقل آثار برگزیده بزرگ‌ترین جایزه ملی در کتابخانه‌ها موجود باشد. از طرفی سعی داریم تا با رایزنی با مؤسسه نمایشگاه‌های فرهنگی شرایط را برای حضور این افراد در مجامع بین‌المللی مهیا کنیم. برای مثال در سال‌های گذشته برندگانی مانند محمدرضا بایرانی به پاریس، نسیم مرعشی به صربستان، الهام فلاح و محمدرضا شرفی خوشناب به فرانکفورت و مریم برادران به چین رفتند. وی ادامه داد: با یا گرفتن طرح گرنت اتفاقات بهتری برای این دوستان نیز شکل خواهد گرفت، چراکه طی صحبت‌های انجام شده قرار است که آثار برگزیده این جایزه برای ترجمه به زبان‌های دیگر در اولویت قرار بگیرند. از طرفی خود ما نیز در دبیرخانه توجه ویژه‌ای به این عزیزان داریم تا از تمامی ظرفیت‌های افراد برگزیده به‌نجو احسن استفاده شود که انتخاب محمدرضا بایرانی برگزیده دوره قبل به عنوان دبیر جایزه اسمال در همین راستا بود.

پرسش دیگر خبرنگار ما درباره اقعاع کننده بودن انتخاب چهره آینده ادبیات داستانی برای جامعه ادبی کشور بود که قزلی گفت: لیست اعلام شده براساس قوانین طراحی شده است و محدودیت‌هایی از جمله محدودیت سنی وجود داشته که بدون شک عده‌ای از لیست جامانده‌اند. در نهایت نیز انتخاب از سوی مردم انجام خواهد شد و بدون شک این انتخاب به ذات ادبیات ضربه‌ای نمی‌زند. این اتفاق برای نخستین بار است که انجام می‌شود و ما باید صبر

فرمان‌زنگ

سینما و سینما

شنبه ۱۳ آذر ۱۳۹۷

۲۶ | ربیع الاول ۱۴۴۰ | ۴ دسامبر ۲۰۱۸ | سال سی و یکم | شماره ۸۸۴۴ |

خبر

مریل استریپ: از ترامپ می‌ترسم!

فارس: مریل استریپ که تاکنون سه جایزه اسکار دریافت کرده است، گفت:من از ترامپ می‌ترسم. توفانی در حال شکل‌گیری است و همه آن را احساس می‌کنند. خود او هم آن را احساس می‌کند.



مریل استریپ یکی از عنوان‌دارترین هنرپیشگان تمام دوران هالیوود و جهان است و بیشترین نامزدی اسکار را داراست، در خلال فستیوال فیلم «مونت‌کلر» در برنامه «اشی با استفن کولبرت» که برای جمع‌آوری کمک خیریه در نوآرک نیوجرسی برگزار شده از علایق و تنفرهایش سخن گفت. استریپ در این برنامه و مقابل ۲۸۰۰ تماشاچی حاضر در سالن گفت: «من از ترامپ می‌ترسم. نمی‌توانم ترامپ را در ساعت ۳ نیمه شب تنها تصور کنم. توفانی در حال شکل‌گیری است و همه آن را احساس می‌کنند. خود او هم آن را احساس می‌کند. کودکان او نیز در خطر هستند و من این را احساس می‌کنم. با خود فکر می‌کنم اگر بچه‌های من در خطر بودند چکار می‌کردم؟ هر کاری که می‌شد را انجام می‌دادم. هر کارِی تا آن‌ها را از دردرس و خطر برهانم. از این رو ما باید بترسیم.»

رونمایی از پوستر مستند «یمن: نبرد بی‌فرجام»

مهر: در آستانه جشنواره «سینماحقیقت» پوستر مستند «یمن: نبرد بی‌فرجام» به کارگردانی فریدون نجفی و تهیه‌کنندگی محمد احمدی رونمایی شد.



در آستانه برگزاری دوازدهمین دوره جشنواره «سینماحقیقت» پوستر مستند «یمن: نبرد بی‌فرجام» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی مهدی خرم‌دل رونمایی شد.

«یمن: نبرد بی‌فرجام» دومین فیلم مستند خرم دل پس از مستند «گزارش یک تجمع» و محصول سال ۱۳۹۷ است. این مستند ۴۸ دقیقه‌ای یک اثر جنگی است که به ارزیابی نظام جنگ یمن پرداخته و آنچه را تاکنون در

یمن رخ داده است به تصویر کشیده است.

در این مستند که قلب میدان نبرد را به تصویر می‌کشد، ۴۵۰ قطعه فیلم مورد استفاده قرار گرفته و قریب به ۱۵۰ انفجار بزرگ را که طرفین جنگ رویدادها به تصویر کشیده که برخی از این لحظات برای نخستین بار منتشر می‌شود.

در خلاصه داستان این مستند آمده است: «آنچه امروز در خاک یمن رخ می‌دهد در ظاهر یک جنگ و در عمل یک نبرد مداوم است که برای سومین سال تداوم دارد. انگار سه سال است که خورشید در آوردگاه این روبرایی خونین، غروب و طلوع تازه نکرده است. با وجود آنکه تصور می‌شد پیروز این نبرد نابرابر، سربازان مهاجم سرایمسلج باشند، اما این تقابل نظامی تاکنون بی‌نتیج‌انجام بوده است، اما چرا این نبرد تاکنون فاتحی نداشته است؟»

دیگر عنوان این مستند عبارت‌ند از نویسنده: مهدی خرم دل، پژوهش: محسن مفیدی و علی نافذعارفی، تدوینگر: مرتضی الیاسی، گوینده: ناصر طهماسب، دستیار کارگردان: علی نافذ عارفی، مدیر تولید: مرتضی الیاسی، مشاور فنی: رضا احمدنژاد. این مستند در بخش آوینی دوازدهمین جشنواره «سینماحقیقت» رونمایی می‌شود.

مجوز نمایش ۳ فیلم صادر شد

مهر:شورای پروانه نمایش فیلم‌های سینمایی برای ۳ فیلم مجوز نمایش صادر کرد. شورای پروانه نمایش فیلم‌های سینمایی در جلسه اخیر که با حضور اکثریت اعضا برگزار شد، مجوز نمایش فیلم سینمایی «پیلوت» به تهیه‌کنندگی محمدرضا مصباح و کارگردانی ابراهیم ابراهیمیان با موضوع اجتماعی و «دایان» به تهیه‌کنندگی ابراهیم حمزه زاده به نمایندگی از حوزه هنری و کارگردانی بهروز نورانی پور با موضوع مقاومت صادر شد. همچنین در این جلسه «تهران شهر عشق» به تهیه‌کنندگی محمد احمدی و کارگردانی علی جابرانصاری با موضوع اجتماعی پروانه نمایش گرفت.



«گسل ۲» با موضوع آفازدها ساخته می‌شود

فارس: نویسنده و کارگردان سریال «گسل ۲» از موضوع جدید این سریال و اشاره به ماجرای آفازدها خبر داد.



علیرضا بذرافشان نویسنده و کارگردان سریال «گسل ۲» درباره این سریال گفت: این روزها مشغول نگارش فصل دوم سریال گسل هستم که تاکنون ۱۵ قسمت از این سریال ۲۰ قسمتی به طور کامل نوشته شده است.

وی درباره زمان تولید این سریال نیز بیان داشت: هر زمان که متن‌هایمان کامل شود وارد مرحله پیش تولید خواهیم شد.

این کارگردان در ادامه با اشاره به قصه جدیدی که در «گسل ۲» طراحی و اجرا می‌شود، افزود: اغلب کاراکترهای این سریال همان کاراکترهایی هستند که در فصل اول نیز حضور داشتند.همچنین قصه جدیدی طراحی کردیم که با همان کاراکترها جلو می‌رود و ادامه ماجرای خانوادگی و عاشقانه فصل یک در فصل جدید پیگیری می‌شود.

بذرافشان درباره اینکه فضای «گسل ۲» در ادامه فضای کمدی سیاسی است که در گذشته شاهد بودیم، گفت: در فصل دو ماجرای کمدی سیاسی که در فصل یک به تصویر کشیده شد را به سمت وقایع روز بردیم و اتفاقاتی که در این مدت در بخش سیاسی کشور افتاد، مبنای اصلی قصه ما را تشکیل داد.

وی در ادامه همین موضوع بیان داشت: مضل اصلی که این روزها در فضای سیاسی اجتماعی با آن مواجه هستیم بحث «آفازدگی» است و بر همین اساس ما نیز قصه اصلی «گسلل ۲» را روی فساد، آفازدگی و رانت‌هایی که آفازدهای مقام‌های دولتی از آن‌ها استفاده می‌کنند، پایه‌ریزی کردیم.

این نویسنده با اشاره به جایگزینی برخی از بازیگران در فصل دوی این سریال نیز گفت: این احتمال وجود دارد تا چند بازیگر که در فصل یک نقش‌های اصلی را ایفا می‌کردند، در کنار ما حضور نداشته باشند و بازیگران جدیدی را جایگزین آن‌ها کنیم.

گفت‌وگو با کارگردان‌های مستند سینمایی «در جست‌وجوی فریده»

در جست‌وجوی هویت از آمستردام تا مشهد



ا سینما و سینما/ زهره کهندل | «در جست‌وجوی فریده» فیلم مستند بلندی درباره دختری است به نام فریده که در آستانه ۴۰ سالگی به دنبال یافتن هویت گمشده خودش است. او در کودکی در حرم امام رضا (ع) رها می‌شود و پس از آن به شیرخوارگاهی در تهران منتقل شده و در نهایت توسط زوجی هلندی از ایران به فرزندخواندگی گرفته می‌شود. فریده با وجود مخالفت والدینش جست‌وجویی را برای یافتن پدر و مادر خویش‌اش آغاز می‌کند و تصمیم دارد برای اولین بار به زادگاهش ایران سفر کند. این مستند که تاکنون در جشنواره‌های مختلف و معتبری همچون جشن سینمای ایران، جشن مستقل سینمای مستند، جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت، جشنواره جهانی فجر و… به نمایش

در آمده، توانسته جوایز متعددی را از آن خود کند. مستند «در جست‌وجوی فریده» در جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت جایزه بهترین فیلم هنر و تجربه، بهترین تدوین، بهترین موسیقی و جایزه ویژه دبیر را در یافت کرده است. همچنین جایزه بهترین فیلم مستند از بیستمین جشن سینمای ایران، دیپلم افتخار بهترین کارگردانی از جشن مستقل سینمای مستند و چند جایزه دیگر را تاکنون از آن خود کرده است. این فیلم اکنون در سینماهای گروه «هنر و تجربه» و در مشهد گروه هنر و تجربه پردیس سینمایی هویز، روی پرده است. با آزاده موسوی و کوروش عطائی که به‌طور مشترک کارگردانی و تهیه‌کنندگی کار را برعهده داشتند، درباره این مستند سینمایی گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید:



پروژه، پروژه سختی بود. حدود ۵ سال پیش با فریده آشنا شدیم و دو سال مر حله پیش تولید و تلاش برای جذب سرمایه طول کشید. امیدوارم مردم مشهد این فیلم را ببینند چون بخشی از قصه در مشهد می‌گذرد و حتماً برایشان جذاب است

برقرار می‌کردیم و مجبور بودیم که در بعضی مواقع از مترجم استفاده کنیم. در هلند، مترجم هلندی داشتیم که سر همه صحنه‌ها، ترجمه همزمان انجام می‌داد و این ماجرا از نظر فنی هم پروسه دشواری بود. بعد از اینکه به ایران آمدم، تمام تولید و تلاش برای جذب سرمایه طول کشید. مسئله ترجمه بسیار زمان برد.

عطائی: پروژه، پروژه سختی بود. حدود ۵ سال پیش با فریده آشنا شدیم و دو سال مرحله پیش تولید و تلاش برای جذب سرمایه طول کشید. چون تهیه‌کننده مستقل هستیم و برای این کار، کمپین سرمایه‌گذاری جمعی را راه‌اندازی کردیم. در این اتفاق ۳۰۰ نفر از سراسر دنیا از کار حمایت کردند و هزینه اولیه فیلمبرداری تأمین شد. از دیگر سختی‌های کار تعدد لوکشین بود. از آمستردام گرفته تا تهران و مشهد. فیلمبرداری در فرودگاه، شیرخوارگاه، حرم امام رضا (ع) نیاز به گرفتن مجوز فیلمبرداری داشت که کار آسانی نبود، اما خوشبختانه این اتفاق افتاد و چیزهایی که می‌خواستیم را به دست آوردیم. تولید و تدوین این فیلم یک سال و نیم تا دو سال طول کشید، یکی از دلایل اصلی هم مشکل زبان بود. اگرچه زبان ارتباطی ما انگلیسی بود، ولی سر صحنه‌های آمستردام، هلندی حرف می‌زدند که کار را برایمان سخت می‌کرد. خوشبختانه تیم جوان پرشوری داشتیم که در پروسه تولید فیلم با هم

که تصویر، منفی نباشد برای همین حضور خانم نگار در فیلم و چرخیدن در فضاهای شهری تهران و مشهد بود که به ما کمک کرد. قرار نبود که فقط قصه سه خانواده‌ای که بچه‌شان را سر راه گذاشتند در فیلم ببینیم به همین دلیل کاراکتر نگار به فیلم اضافه شد. نگار، دختر مستقلی بود که نگاه جالبی به زندگی داشت و می‌توانست به تکرر نگاه در فیلم کمک کند.

عطائی: جالب است در مدت اکران فیلم، تماشاچی‌های داخلی و خارجی‌ها به مسئله تصویری که این مستند از ایران نمایش داده، اشاره می‌کنند. دلیل باور پذیری این تصویر از ایران به این خاطر است که تعدمی در آن نبوده یعنی هدف ما این نبوده که تصویر خوب یا بدی از ایران نشان دهیم، بلکه هدف روایت قصه فریده بوده است. قصه دختر بچه‌ای که در مشهد سر راه گذاشته می‌شود، توسط یک زن و شوهر هلندی به آمستردام می‌رود و بعد از ۴۰ سال به ایران برمی‌گردد. تضاد فرهنگی بین آمستردام و مشهد هم در این فیلم جالب بود. دختری که در موقعیت‌های فرهنگی متفاوتی قرار می‌گیرد، ما در زیرلایه‌های فیلم به تفاوت فرهنگی و سبک زندگی آدم‌ها هم اشاره کردیم. سعی کردیم که قصه فریده در دنبال کنیم و از حواشی ماجرا هم غافل نشویم چون این حواشی نکاتی داشت که فیلم را عمیق‌تر می‌کرد. به این توجه کردیم که این سوزه‌چقدر می‌تواند فراتر از خودش باشد و حرف‌های فرامتنی بزند. اگر قصه فقط درباره دختری بود که در ایران دنبال خانواده‌اش می‌گشت، شاید این فیلم را پیدا نمی‌کرد. نمی‌توانست راجع به فرهنگ، آیین و تفاوت فرهنگی حرف بزند.

❖ از سختی‌ها و محدودیت‌های پیش‌رویتان در این کار هم می‌گویید. زبان فریده، فارسی نبود و انگلیسی هم زبان دوشم بود، در ارتباط گرفتن با انتقال مفاهیم و احساسات مشکلی نداشتید؟

موسوی: یکی از سخت‌ترین چالش‌های ما در این فیلم، مسئله زبان بود. وقتی کاراکتری همزمان با باشد بهتر می‌توانیم با آن ارتباط برقرار کنیم، ولی در اینجا هر دوی ما با زبان دومی با هم ارتباط



ما با فریده همراه‌ها شده بودیم. او برای یافتن هویت گمشده‌اش، کشف و شهود و بسیر می‌کرد، ما هم در کنار او طی طریق می‌کردیم و تجربیات خودمان را به‌دست می‌آوردیم. واقعاً تحت تأثیر اتفاقات زندگی بودیم که داشت رخ می‌داد. ما هم در پایان داستان، همچون فریده، آدم‌های اول داستان نبودیم

و سبک زندگی آن‌ها چگونه است. ما نیز همراه با فریده، در موقعیت‌های غافلگیرکننده قرار گرفتیم. ما در فیلمنامه نوشته بودیم که قرار است قصه بچه گمشده آن‌ها را بشنویم، ولی در جزئیات و دیالوگ‌ها غافلگیر شدیم. مثلاً در جایی که خانواده‌ای بر سر رها کردن کودکشان بحث می‌کردند، ما انتظار این جدل را نداشتیم. در ماجرای آن بحث، کارمان تمام شده بود و کم کم داشتیم جمع می‌کردیم که دیدیم این بحث مطرح شد و چقدر برای نمایش جذابیت داشت که شروع به فیلمبرداری کردیم.

❖ تصویری که از ایران نشان دادید، بی‌آنکه شاعری باشد تصویری زیبا و دلنشین است. کشوری که در آن مردم به بهانه مختلف می‌خندند و خانواده در آن معنایی عمیق و جدی دارد در حالی که در هلند، پدرخوانده و مادرخوانده فریده، آدم‌های سرد و خشک هستند. نمایش این تصویر از هر دو کشور در این مستند تعدمی بود؟

موسوی: تصویری که از ایران نشان دادیم با اینکه خانواده هلندی فریده، خانواده سردی هستند و خانواده‌های این تصویر این بسیم خانواده‌های گرم و صمیمی هستند، واقعیتی بود که به تصویر کشیدیم و عمدی در کار نبود. برای ما مهم بود که چه تصویری از ایران نشان می‌دهیم و می‌خواستیم

❖ جرقه ساخت این مستند از همان آگهی روزنامه خراسان زده شد؛ یعنی فریده را از همان آگهی پیدا کردید؟ چطور به او پیشنهاد ساخت این مستند را دادید؟

موسوی: بله با خواندن آگهی روزنامه خراسان احساس کردیم که این داستان جذابی است و با یکی از دوستانمان که خبرنگار هلندی در ایران است، تماس گرفتیم. او فریده را می‌شناخت چون فریده دختر بسیار فعالی بود و ویلاگی داشت به نام finding farideh که در آن داستان زندگی او را روزمرگی‌هایش را می‌نوشت. ما آن ویلاگ را مطالعه کردیم و دیدیم علاوه بر اینکه داستان زندگی جذابی دارد، شخصیت جذابی هم دارد. از نوشته‌ها و اشعارفارسی که در آن ویلاگ بود، علاقه‌مند به تماس با او شدیم. به او ایمیل زدیم و خیلی سریع جواب ایمیل ما را داد و خوشحال از اینکه دو کارگردان ایرانی با او تماس گرفتند. فریده چون در تلاش بود که با ایرانی‌ها ارتباط بگیرد، این اتفاق برایش بسیار مهم بود. قرار اسکایی با هم گذاشتیم و در آن قرار، دختری مشتاق را دیدیم که به ایران سفر کند و این جست‌وجو را انجام دهد و این فیلم درباره او ساخته شود چون فکر می‌کرد این فیلم می‌تواند به جست‌وجوهایش کمک کند. ما تصمیمان را برای ساخت فیلم از همان قرار اسکایی گرفتیم.

❖ ساخت آن چقدر زمان برد و هزینه‌هایش چگونه تأمین شد؟

عطائی: خواندن نوشته‌های فریده و درآوردن نکات مهم قصه و نوشتن فیلمنامه، دو سال زمان برد. بعد فیلمبرداری را شروع کردیم. بعد از فیلمبرداری حدود یکسال و نیم، تدوین طول کشید. بخشی از زمان هم برای تأمین هزینه‌های فیلم صرف شد که تصمیم گرفتیم با جمع‌آوری کمک‌های مردمی این فیلم را بسازیم. بنابراین در دو سایت ایرانی و هلندی، پروژه را تعریف کردیم. این روش در خارج از کشور مرسوم است که مردم برای انجام یک پروژه فرهنگی، کمک می‌کنند تا پروژه مستقلی صورت بگیرد و ما اولین پروژه موفق در این باره در ایران بودیم. فیلمسازان می‌توانند در سایت حامی، جو، پروژه‌هایشان را تعریف کنند و برای ساخت فیلمشان پول جمع کنند.

موسوی: خوبی چنین روشی این‌است که از ابتدای امر، فیلمساز تلاش می‌کند با روایت و قصای جذاب، افراد را جذب پروژه‌هاش کند، چالش بسیار خوبی است و محک خوبی برای پیش‌بینی موفقیت پروژه است. این باعث می‌شود تا فیلمساز، داستان را جذاب‌تر تعریف کند. این روش کارآمدی در دنیاست و می‌توان بیشتر روی آن کار کرد.

❖ شما در این مستند، همراه و پا به پای فریده در جست‌وجوی خانواده گمشده او بودید، اتفاقات پیش آمده برای شما هم به اندازه فریده هیجان‌انگیز بود؟

موسوی: ما با فریده همراه شده بودیم. او برای یافتن هویت گمشده‌اش، کشف و شهود و سیر می‌کرد، ما هم در کنار او طی طریق می‌کردیم و تجربیات خودمان را به دست می‌آوردیم. واقعاً تحت تأثیر اتفاقات زندمای بودیم که داشت رخ می‌داد. ما نیز در پایان داستان، همچون فریده، آدم‌های اول داستان نبودیم. وقتی قصه، زنده‌است و نمی‌دانید که در آینده چه خواهد شد، این کشف و شهود خیلی جذاب است.

عطائی: یکی از جذابیت‌هایی که فیلم مستند دارد این‌است که شما هر چقدر هم روی کاغذ، موقعیت‌ها را پیش‌بینی کرده باشید، سر صحنه اتفاقاتی رخ می‌دهد که شما را غافلگیر می‌کند و علاقه من به مستند به همین دلیل است. ما براساس موقعیت‌ها، خط اصلی قصه را می‌دانستیم اینکه بعد از ورود به ایران، سه تا خانواده را می‌بینیم، ولی چون مواجهه ما با این خانواده‌ها همزمان با فریده بود برای خودمان هم غافلگیر کننده بود چون نمی‌دانستیم که شرایط

نقد کوتاه «جبار آذین» منتقد و مدرس سینما بر فیلم «سرو زیر آب»

فیلمی متمایز در کارنامه «باشه‌آهنگر»

فارس: فیلم سینمایی «سرو زیر آب» به کارگردانی محمدعلی باشه‌آهنگر در ۹ روز اول اکران ۳۳۰ میلیون تومان فروخته است. «جبار آذین» منتقد و مدرس سینما نقد کوتاهی بر این فیلم نوشته است که در ادامه می‌خوانیم:

محمدعلی باشه آهنگر، سینماگر اندیشمند و متفاوت‌ساز آثار دفاع مقدس و کارگردان فیلم خوش‌ساخت «ملکه» با ششمین ساخته سینمایی خود «سرو زیر آب»، یک بار دیگر باز هم از زاویه‌ای متفاوت و اندیشمندانه، به یکی از رخدهای دوران دفاع مقدس به صورت وزین پرداخته است. پرهیز از نگاه کلیشه‌ای و تک‌بعدی به رویدادها، رزمندگان و حوادث جبهه و جنگ و نگرش انسانی و واقع‌گرا به انسان‌ها و ویژگی‌های دفاع مقدس و تصویرسازی مقبول و مطلوب سینمایی از دستاوردها و عوارض جنگ، از شاخصه‌های آثار دفاع مقدسی باشه آهنگر است. «شهدا و شهدای گمنام و مفقودالتر جنگ تحمیلی، فرزندان نامسار خانواده بزرگ و افتخارآفرین ایران هستند.» مضمون یادشده، سوزه و پیام اصلی فیلم است. باشه آهنگر برای ارائه این معنا، فیلمی آهنگر است و نوشته و با تصویرسازی‌های سینمایی برای آن، به آدما و ماجراهای دانستاش، جان بخشیده است.

«جهانبخش کرامت» عضو ستاد معراج شهدا، به شیوه خود و نیت خیر ولی روالی خلاف قاعده، آثار و بقایای شهدای گمنام را جهت ایجادامید و آرامش به خانواده‌های چشم‌انتظار رزمندگان می‌دهد. با پیدا شدن خانواده یکی از شهدایی که کرامت، جابه جا کرده است، جهت

سینماگرام

روایت «محمود پاک‌نیت» از یک دیدار

تحسین دیالوگ‌های «روزی روزگاری» توسط رهبری



بازیگر سریال «شهرزاد» همچنین اضافه کرد: «ایشان

تأکید زیادی روی حفظ احترام در مجموعه‌های تلویزیونی داشتند و مثالی از سریال «روزی روزگاری» عنوان کردند. در واقع ایشان دیالوگ‌های این سریال را محترمانه دانستند و معتقد بودند این احترام باید در همه برنامه‌ها و سریال‌های تلویزیونی جاری باشد.» یکی از موضوعاتی که رهبری نسبت به آن توجه نشان داده‌اند، تولید برنامه‌های امیدبخش و تصویرنمایی روشن و روحیه‌بخش به اقشار جامعه بوده است، پاک نیت همچنین درباره این میبحث که در این دیدار درباره‌اش صحبت شد نیز بیان کرد: «ایشان تأکید کردند برنامه‌های شادی برای مردم ساخته شود چون مردم نیاز به شادی و خنده دارند. همچنین فرمودند مسائلی که گریه‌ار است و در آن‌ها غم وجود دارد را سعی شود کمتر مورد توجه قرار بگیرد. البته باز هم تأکید کردند حتی در شوخی‌ها و طنز هم جوانب احتیاط رعایت شود و خدای ناکرده به کسی توهینی نشود.»

خبرآنلاین: محمود پاک نیت درباره دیداری که اخیراً با رهبر انقلاب داشت، می‌گوید که ایشان نظر مساعد و مثبتی درباره سریال «روزی روزگاری» داشتند و دیالوگ‌های این سریال را محترمانه دانستند. جمعی از تهیه‌کنندگان، کارگردانان و بازیگران بیست و چهارم آبان ماه با ایت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب دیدار کردند. در این دیدار صمیمانه محمود پاک‌نیت بازیگر پیشکسوت تلویزیون که در آثار زیادی نقش آفرینی کرده است نیز حضور داشت و از نزدیک با‌عالی‌ترین مقام کشور به گفت‌وگو نشست.

محمود پاک نیت در گفت‌وگو با خبرآنلاین، درباره خاطره رهبر انقلاب از سریال «روزی روزگاری» ساخته امیرالله احمدجو، که پاک‌نیت در آن نقش حسام بیگ را ایفا می‌کرد، گفت: «ایشان ضمن اعلام نظر مثبتشان درباره این سریال از تأثیر یک جمله که در فیلمنامه این مجموعه بود صحبت کردند و آن را مسئله مهمی عنوان کردند که باید در سایر آثار تلویزیونی نیز به آن اهمیت داده شود.»

بازیگر سریال «پس از باران» ادامه داد: «ایشان فرمودند در سریال «روزی روزگاری» حسام‌بیگ وقتی می‌گوید بیگاش را هم بگو یعنی احترام برایش مهم است، آدمی که یک ارهزن است، اما برایش مهم است که وقتی اسمی از او می‌برند بدون پسوند و پیشوند آن را نگویند و از اینکه مرادبیگ اسم او را به‌طور کامل صدا می‌کند خوشش می‌آید چرا که آن را نوعی احترام می‌پندارد و از این موضوع احساس رضایت می‌کند.»

